

مقدمه:

طرح مساله

از جمله تضمیناتی که برای حفظ حقوق متهم در دادرسی های کیفری پیش بینی می شود حضور و شرکت وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی های جزائی است. زیرا حضور وکیل در فرایند کیفری سبب کاسته شدن از اشتباهات قضائی و افزایش دسترسی به عدالت می شود.

در جهان امروزی با پیشرفت هائی که در اصول دادرسی کیفری به وجود آمده است به متهمان اجازه می دهند تا در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز از حضور وکیل مدافع بهره مند شوند. در بسیاری از کشورهای جهان حتی در مرحله تفهیم اتهام ، داشتن وکیل نیز به متهم تفهیم و تذکر داده می شود که حق دارد تا حضور وکیل مدافع خود از پاسخ دادن به پرسش ها امتناع ورزد.

در نظام دادرسی کیفری ایران مرحله مقدماتی طبق سیستم تفتیشی انجام می شود یعنی تحقیقات محرمانه، مکتوب و سری بوده و دخالت وکیل محدود و موکول به شرایطی است. مرحله تحقیقات مقدماتی حساس ترین مرحله رسیدگی است که سنگ بنای اولیه پرونده اتهامی گذاشته می شود.

سری بودن تحقیقات مقدماتی تخلف از مقررات تساوی سلاح ها و نقض حقوق متهم می باشد. این در حالی است که قوانین سایر کشورها به جهت تساوی سلاح ها حرکت کرده و روز به روز از جنبه سری بودن آن به نحوی که حقوق دفاعی متهم را تضمین نماید، کاسته اند.

اصل الزامی بودن شرکت وکیل مدافع در کلیه مراحل دادرسی های کیفری در مقررات موضوعه اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، به عنوان یکی از اساسی ترین تضمین های

حقوق دفاعی متهم پذیرفته شده است و در برخی از جوامع محاکمه متهم بدون شرکت وکیل مدافع ممکن نیست(نجفی توانا: ۱۳۸۵: ۴۹). متعاقب وقوع انقلاب های آزادیخواهانه در اروپا و آمریکا که از قرن هفدهم میلادی به بعد در مقابل دیکتاتوری پادشاهان رخ داد، موضوع احترام به حقوق طبیعی انسان، اجرای دادرسی عادلانه و حمایت از حق دفاع متهم مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. به دنبال آن جامعه جهانی با فکر گسترش و بسط حقوق و آزادی های افراد گام های مؤثری برداشت و در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۶۸ با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً حق داشتن وکیل مدافع در مراحل مختلف دادرسی به عنوان یکی از تضمینات اساسی ناظر به حق دفاع متهم در اسناد مذکور پیش بینی و دولت های عضو موظف به رعایت و انطباق قوانین خود با این اصول شدند(نجفی توانا: ۱۳۸۵: ۴۹). در جمهوری اسلامی ایران شرکت وکیل مدافع در جرایم مستوجب قصاص نفس، اعدام، رجم، حبس ابد اجباری و در سایر موارد اختیاری است. در ایران با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال ۱۳۷۸ حق استفاده از وکیل در مراحل مختلف دادرسی دچار آنچنان تغییراتی شده، که در موارد بی شماری منجر به تضییق و تضییع حق دفاع متهم شده است. اقدام قانونگذار، باعث طرح این سؤال شده که آیا قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مورد حق داشتن وکیل و اعلام آن به متهم به عنوان یکی از تضمینات حقوق دفاعی او در دادرسی های جزایی با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مطابقت دارد؟

مقنن ایرانی با وجود پذیرش اصل حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی ، آن را منوط به عدم مداخله در امر تحقیق کرده است. مفهوم عبارت ((عدم مداخله در امر تحقیق)) مندرج در ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری در رویه قضائی ایران مبهم مانده است. به عبارت بهتر مفهوم مداخله و اینکه چه میزان از اقدامات وکیل تحت عنوان مداخله تلقی می

گردد به وضوح تبیین نشده است. دکتر زراعت در این خصوص می گوید: «به نظر می رسد وکیل متهم در حدود مذکور در این ماده (۱۲۸) حق مداخله دارد بنابراین از انجام کارهایی همچون اظهارنظر بجای متهم، راهنمایی متهم، پیگیری پرونده و... ممنوع است». تبصره ماده مذکور حضور و مداخله وکیل را باز هم محدودتر نموده زیرا قانون صراحتی در موضوع محرمانه ندارد یا معلوم نیست که منظور از فساد چیست؟ و این موارد باعث می گردد که دست قاضی در ندادن اجازه به حضور وکیل در مرحله تحقیقات بسیار باز بوده و هرطور که می خواهد عمل نماید.

در لایحه جدید آئین دادرسی کیفری که اخیراً پیشنهاد شده نسبت به حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات توجه خاص شده است و برای اولین بار بازپرس مکلف به اعلام این حق شده است و ضمانت عدم اجرای آن ابطال تحقیقات اعلام شده است.

استقلال وکلا و حق دفاع آنها ، در اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای در چهارچوب «حق دادرسی منصفانه» مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک سند بین المللی جهانی، به اصل تساوی در برابر قانون (در ماده هفت) حق اشخاص در برخورداری از دادرسی منصفانه و علنی در محاکم مستقل و بی طرف و وجود کلیه تضمینات لازم برای دفاع از اشخاص متهم (در مواد ۱۰ و ۱۱) تصریح می کند. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرفی ، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه کرده باشد، اتخاذ تصمیم نماید.»

بهره مندی از معاضدت قضائی مناسب در تمام مراحل دادرسی، طبق ماده چهاردهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است. این ماده در هفت بند مفصل مقرر می دارد

که افراد و اشخاص دستگیر شده، متهم یا تحت بازداشت، حق دارند که بدون تأخیر توسط یک مقام صالح از حق خود در برخورداری از مساعدت وکیل انتخابی مطلع گردند و بلافاصله بتوانند با وکیل خود ارتباط برقرار نمایند و این موعد نباید بیش از ۴۸ ساعت از زمان دستگیری و یا بازداشت به طول انجامد (نجفی توانا: ۱۳۸۵: ۵۰). ملاقات و مذاکره با وکیل باید بدون هیچ گونه مداخله و یا سانسور از طرف مقامات صورت گیرد. همه افراد باید از حق داشتن وکیل بهره مند باشند و اگر توانائی مالی پرداخت حق الوکاله را ندارند، باید منابع و قوای عمومی و حتی انجمن های حرفه ای و کلا این خدمات حقوقی و معاضدت رایگان را برای افراد بی بضاعت، پیش بینی و فراهم کنند.

در اسناد و مقررات متعدد بین المللی، بر حق استفاده متهم از معاضدت وکیل دادگستری در فرآیند دادرسی تأکید و تصریح شده است. اسناد معتبری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۶)، اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره (مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰)، اعلامیه جهانی حقوق کودک (مواد ۲، ۳، ۳۷)، کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان (مواد ۱، ۲، ۴۰)، پیمان رفع تمام اشکال تبعیض نژادی (مواد ۱، ۲، ۵، ۶)، قانون راجع به جلوگیری از کشتار جمعی و نسل کشی (مواد ۵ و ۶)، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مواد ۲، ۵، ۱۰) و ... این حق را به رسمیت شناخته اند. از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر، مفاهیم و معیارهای حقوق بشر است. این مفاهیم و معیارها که در اسناد بین المللی و منطقه ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته اند، به ویژه بر قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته اند. بارزترین جنبه چنین تأثیری حقوق متهم در برابر دادگاه است که به طور اجمالی عبارتند از: تساوی افراد در برابر دادگاه، محاکمه منصفانه و

علنی در دادگاهی صالح، مستقل و بی طرف، تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام، حق حضور فوری در برابر دادگاه و محاکمه بدون تأخیر، حضور در دادگاه و دفاع شخصی یا توسط وکیل، مواجهه با شهود مخالف، دادن مترجم رایگان، منع اجبار به اقرار، جدایی آیین دادرسی اطفال از بزرگسالان، منع تجدید محاکمه و مجازات، تساوی افراد در برابر قانون، حاکمیت قانون بر نظام جرایم و مجازات ها، منع تأثیر قوانین زیانبار در وقایع گذشته، منع شکنجه و آزار و اعمال مجازات های غیر انسانی، منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق اطلاع فوری از علل دستگیری و بازداشت، حق رسیدگی به اتهام در مدت زمان معقول، حاکمیت فرض براءت، منصفانه بودن محاکمه، برخورداری از تضمین های دفاع، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهمان، لزوم جبران زیان های وارده بر بازداشت شدگان یا محکومان بی گناه و حق درخواست تجدید نظر. به طور کلی مهمترین سؤالات مطروحه پیرامون حقوق متهم در سراسر یک دادرسی کیفری (من البدوالی الختم) عبارتند از این که با کشف جرم به عنوان پدیده ای اجتماعی برای تعقیب متهم به ارتکاب آن و نهایتاً محاکمه وی، به چه نحو باید عمل کرد؟

آیا به این بهانه که شخصی مظنون و متهم است می توان هر نوع رفتار و برخوردی را علیه او اعمال نمود؟

باید دید در مرحله دادرسی قاضی دادگاه علاوه بر اهتمام به حقوق شاکی و جامعه باید چه اهرم هایی را در اختیار متهم قرار دهد تا او قادر باشد در فضایی عادلانه و بی طرفانه به دفاع از اتهامات وارده بپردازد؟

بنابراین مداخله دادن وکلا در دادرسی کیفری در زمره تعهدات بین المللی کشور نیز شناخته می شود و دولت ایران ملزم به پایبندی به آن می باشد. به علاوه اطلاع از این مقررات

بین المللی می تواند در تبیین آینده ای بهتر برای مداخلات وکیل در دادرسی های کیفری نیز مفید باشد. در نتیجه در این تحقیق تلاش خواهد شد تا از توجه به این موازین بین المللی نیز غفلت نشود.

انگیزه و اهداف پژوهش

تبیین وضعیت فعلی مداخلات وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی اولین هدف این پژوهش است اما به نظر نگارنده، این هدف نمی تواند هدف نهایی تحقیقی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد باشد و باید علاوه بر تبیین وضعیت فعلی، باید راهکارهایی را برای بهبود رعایت استانداردهای دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز ارائه نمود. بنابراین لازم است ابتدا حقوق اساسی متهم در مرحله تحقیقات تبیین گردد و سپس چگونگی دخالت وکیل وی به منظور تضمین این حقوق مورد تحلیل قرار گیرد. در حقیقت در این پژوهش تلاش خواهد شد تا بر اساس مبانی شناخته شده شرعی و قانونی در رابطه با حقوق متهم و همچنین اسناد بین المللی مصوب در این زمینه، راهکارهای حقوقی مناسبی برای تضمین این حقوق از طریق مداخلات وکلا در تحقیقات مقدماتی ارائه گردد.

بنابراین هدف از انجام این تحقیق کنکاشی در قوانین جاری و فعلی ایران در رابطه با مداخلات وکیل در تحقیقات مقدماتی است. همچنین ارائه راهکارهای درخور و منطبق با رویه قضایی و شرایط ویژه دادرسی های کیفری در ایران نیز جزء اصلی ترین اهداف این پژوهش تلقی می گردد.

به علاوه با تطبیق و واکاوی اسناد بین المللی در این خصوص برآنیم تا گامی در کمک به طرح و ارائه سیاست تقنینی سنجیده ای در حوزه مداخلات وکلا در دادرسی های کیفری بویژه در تحقیقات مقدماتی برداریم.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی های انجام شده و جستجو در بانک های اطلاعاتی مربوط به پایان نامه های دفاع شده در دانشگاه های ایران از جمله سایت ایران داک، در رابطه با موضوع این پژوهش تا کنون رساله ای در هیچ یک از مقاطع ثبت نشده است.

همچنین تحقیق جامعی در رابطه با مداخلات وکیل در تحقیقات مقدماتی تاکنون انجام نشده است اما در برخی از تالیفات و مقالات برخی از حقوقدانان، موضوع این تحقیق به عنوان یکی از موضوعات فرعی مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله می توان به مقاله بررسی حق دفاع متهم نوشته خیرالله طاهرخانی (پیام آموزش، شماره ۸) و مقاله حق متهمان در داشتن وکیل در فرآیند کیفری؛ جلوه ای از حقوق شهروندی تألیف امیر حسن نیازپور (مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸) اشاره نمود.

همچنین خانم رزا قراچورلو در مقاله ای تحت عنوان حق دفاع وکلا و اهمیت استقلال آن ها با تأکید بر اسناد و موازین بین المللی حقوق بشر (خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره ۳۹) به طرح مباحثی در رابطه با موضوع این رساله پرداخته است.

سوالات تحقیق

با توجه به مباحث مطرح شده این سؤال به ذهن خطور می کند که: ۱) معنای مداخله در اسناد بین المللی و نظام حقوقی ایران چیست؟

۲) همچنین باید به این سؤال پاسخ داد که حدود مداخله و اختیارات وکیل در تحقیقات مقدماتی چیست؟

۳) یکی دیگر از سؤالات مهم این تحقیق این است که میزان انطباق قوانین و مقررات داخلی در رابطه با حدود مداخله وکیل با اسناد بین المللی چقدر است؟

۴) همچنین باید به دنبال پاسخ به این سؤال نیز بود که از منظر اسناد بین المللی وضعیت حضور و مداخله وکیل به چه صورت تبیین شده است؟

فرضیه ها

به نظر می رسد که مداخله هم به مفهوم فیزیکی می باشد و هم مداخله واقعی به معنای بیان مطالب می باشد و منظور مقنن ایرانی از مداخله، مداخله واقعی می باشد.

به دلایل مختلف در ایران وکیل بویژه وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی از حیث دفاع ترافعی، مطالعه، اخذ رونوشت از اسناد و محتویات پرونده و در برخی از موارد از حضور در تحقیقات نیز ممنوع است.

همچنین در بسیاری از موارد، قوانین و مقررات فعلی تناسبی با اسناد بین المللی ندارد.

حق برخورداری از مساعدت وکیل در تمام مراحل دادرسی در اسناد بین المللی معتبری همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش مطالعات کتابخانه ای بهره گرفته شده است. همچنین تجربیات و مشاهدات عینی نگارنده در طول دوران کارآموزی و تصدی امر قضا نیز در تدوین و نگارش این تحقیق مؤثر بوده است.

سازماندهی رساله

به منظور نیل به اهداف این پژوهش، ابتدا در بخش نخست به توضیح مبانی دخالت وکیل در تحقیقات مقدماتی پرداخته می شود تا معلوم گردد که وکلای دادگستری بر چه اساسی حق مداخله در این مرحله از دادرسی را داشته و با توجه به چه ویژگی هایی باید حدود فعالیت و اختیارات ایشان را در این مرحله تعیین نمود. لذا در این بخش تلاش می شود ابتدا وظایف و خدماتی که وکلا به جامعه ارائه می دهند تبیین گردد تا معلوم شود که اساس حضور و ضرورت فعالیت این افراد در دادرسی های کیفری بر چه مبنایی استوار است. سپس به تبیین جایگاه و ویژگی های مرحله تحقیقات مقدماتی پرداخته می شود تا معلوم گردد که این مرحله از دادرسی با چه مشکلات و پیچیدگی هایی روبرو است و حضور وکلا در آن اساساً تا چه حد امکان پذیر و سازگار با ویژگی های آن می باشد. در نهایت نیز حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی با توجه به تأثیر دخالت وکیل در تأمین و تضمین این حقوق مورد مطالعه قرار گیرد. در واقع با تبیین مطالب بخش نخست پژوهش، حدود و چهارچوب های کلی فعالیت وکلا در تحقیقات مقدماتی روشن خواهد شد.

در بخش دوم با توجه به قوانین و مقررات در حال اجرا در ایران، وضعیت فعلی مداخلات وکلا در تحقیقات مقدماتی در نظام کیفری ایران مورد بررسی قرار گرفته و در عین حال تلاش خواهد شد تا با نگاهی به لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، چشم انداز آینده این مداخلات نیز ترسیم گردد. بر همین اساس، حقوق متهم در رابطه با مداخله وکیل در نظام کیفری ایران مطالعه می شود تا معلوم گردد که استفاده از وکیل در تحقیقات مقدماتی در قوانین فعلی ایران تا چه حد با حقوق متهم اهمیت دارد. در فصل دوم و سوم این بخش ضوابط و مقررات حاکم بر مداخلات وکیل شاکی خصوصی و متهم در تحقیقات مقدماتی مورد بررسی قرار می گیرد تا

معلوم شود که اولاً میزان و حدود این مداخلات چگونه است و ثانیاً برابری در سلاح ها بین طرفین در این رابطه در حقوق ایران تا چه میزان رعایت می شود. در انتهای این بخش از تحقیق نیز ضمانت اجرای تخلف از قوانین و مقررات مربوط حوزه و میزان مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی نیز مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت تا چشم انداز کاملی از وضعیت موجود در نظام کیفری ایران در رابطه با مداخلات وکیل در تحقیقات مقدماتی ترسیم گردد.

در بخش نهایی این تحقیق نیز بر اساس ضوابط و مقررات مطرح شده در اسناد بین المللی بویژه اسناد مربوط به موازین بین المللی حقوق بشر، تلاش خواهد شد تا استانداردهای بین المللی در رابطه با مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی مورد مطالعه قرار گیرد. بدین منظور ابتدا حقوق اساسی متهمین در این اسناد در رابطه با دسترسی به وکلای دادگستری بررسی می گردد تا معلوم شود که آیا حق برخورداری از وکیل در تحقیقات مقدماتی نیز یکی از حقوق اساسی متهم تلقی می گردد یا خیر. سپس حق دفاع وکلا و اهمیت استقلال آن ها در اسناد بین المللی مطالعه می گردد تا از این رهگذر حقوق شناخته شده وکلا در رابطه با حضور در دادرسی ها و دفاع از حقوق اشخاص شناخته شود.

در نهایت نیز چگونگی مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی در نظام حقوقی انگلیس به عنوان نمونه ای از یک نظام حقوقی که تلاش نموده است تا معیارهای بین المللی را در این زمینه وارد مقررات داخلی خود نماید، بررسی می گردد.

امید است این پژوهش گامی مؤثر در غنا بخشیدن به نگرش حقوقی کشور در رابطه با چگونگی فعالیت وکلا در دادرسی های کیفری تلقی گردیده و در ارتقاء کیفیت دادرسی ها در ایران و کمک به منصفانه تر شدن آن ها مؤثر باشد.

بخش اول:

مبانی دخالت وکیل در

تحقیقات مقدماتی

در این فصل از پژوهش تلاش خواهد شد تا بدین سؤال پاسخ داده شود که چرا وکیل باید در دادرسی های کیفری مداخله داده شود و در عین حال آیا لزوم دخالت دادن وکیل در دادرسی کیفری، امری مطلق است یا با توجه به ویژگی های هر مرحله از دادرسی می تواند با محدودیت هایی روبرو گردد. در واقع پیش از ورود به بحث در رابطه با مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی باید مبانی این مداخله شناخته شود تا حدود بحث کاملاً تبیین گردد. هدف اصلی از طرح مباحث این فصل پاسخ به این پرسش است که چرا وکیل دادگستری باید در مرحله تحقیقات مقدماتی دخالت داشته باشد؟

برای پاسخ به پرسش فوق، ابتدا به معرفی جایگاه و وظایف وکلا در دادرسی پرداخته می شود و سپس ویژگی های مرحله تحقیقات مقدماتی و چگونگی تأثیرگذاری آن بر جریان دادرسی در این مرحله مورد مطالعه قرار می گیرد. در پایان این بخش نیز حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی تبیین خواهد شد.

فصل اول: تبیین وظایف و خدمات وکیل در دادرسی های کیفری

در این فصل تلاش می شود تا خدمات و وظایفی که وکلا در رابطه با دادرسی های کیفری بر عهده دارند معرفی گردد تا معلوم شود که حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی چه آثار مثبتی می تواند دربر داشته باشد.

مبحث اول) شأن ویژه وکلا

بی تردید ظهور و پیدایش شخصیتی ممتاز به نام وکیل مدافع و حرفه ای شاخص به نام وکالت، ریشه در افکار و اندیشه های انسان مدار و نوظهوری دارد که حمایت از حقوق فرد

انسانی را به مثابه اصلی ترین اهداف عدالت کیفری و قضائی بر می شمارد(نجفی توانا:۱۳۸۵:۵۴).

اصولاً انسان ها از نوعی آزادی به مفهوم عام آن (آزادی بیان، عقیده، عمل و...) در اجتماع بهره می برند که جز در موارد استثنائی تعرض، تجاوز یا تحدید آن ممنوع می باشد. بدین لحاظ، هنگامی که فرد در مظان اتهام به ارتکاب رفتاری مجرمانه قرار می گیرد، لاجرم برخی از اصول و حقوق مسلم فردی وی به مخاطره می افتد. هرچند فرض بی گناهی متهم و ضرورت حفظ حرمت و کرامت انسانی او ایجاب می کند که در فرایند تحقیقات مقدماتی و محاکمه، از حداقل تضمینات کافی در جهت اثبات بی گناهی و براءت خویش برخوردار باشد، مع الوصف، عدم آشنائی و آگاهی کافی نسبت به حقوق فردی و اجتماعی، چه بسا اسباب تضرر، سردرگمی و نهایتاً محکومیت وی را فراهم آورد. با لحاظ چنین شرایط و با هدف جلوگیری از تضییع حقوق افراد، نیاز و ضرورت حضور فردی به عنوان «وکیل مدافع» در تمامی مراحل دادرسی بویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی نهائی، از لوازم حتمی و اجتناب ناپذیر یک دادرسی عادلانه در تمام دنیا تلقی می شود.

وکیل دادگستری به منظور استقرار عدالت، ضمن همکاری نزدیک با دستگاه قضا، تمام دانش، نبوغ، فنون و هنر و تجارب خود را در اختیار افرادی قرار می دهد که جان، مال، عرض یا ناموس آن ها در مظان مخاطره و تهدید قرار دارد. اساساً اجرا و اعمال حقوق قانونی و ذاتی افراد مستلزم آگاهی و اطلاع آنهاست. فردی که برخلاف اصل آزادی، بازداشت می گردد حق دارد به حقوق خود و نحوه برخورداری از آنها آشنا باشد. بنابراین یکی از مهمترین حقوقی که متهم در جریان یک دادرسی عادلانه و منصفانه باید از آن برخوردار باشد، حق استفاده از وکیل مدافع است.

بر این اساس، امروزه حضور وکیل مدافع در دادرسی و دفاع از حقوق مادی و معنوی موکل (به ویژه متهم) جزء لاینفک و اجتناب ناپذیر یک دادرسی منصفانه و عادلانه محسوب می شود. حضوری که در اکثر قوانین داخلی و بین المللی به صراحت مورد اشاره و مورد تأکید قرار گرفته است بنحوی که در اعلامیه کنگره بین المللی حقوقدانان دهم ژانویه ۱۹۶۱ آمده است: «متهم باید در تمام مدت تحقیقات بتواند با وکیل خود مشورت نماید و به داشتن چنین حقی از طرف مأمور تحقیق مستحضر گردد. مأمور تحقیق باید بی طرفانه تمام پرونده را در اختیار متهم و وکیلش قرار دهد، اگر دلایلی بدون رعایت این اصول جمع آوری شود، نمی توان آنها را علیه متهم مورد سوء استفاده قرار داد.»

آئین دادرسی کیفری همچنانکه جامعه را در برابر جرم ارتكابی حمایت می کند از متهم به ارتكاب جرم نیز در جهت احراز واقع و تشخیص گناهکار از بی گناه حمایت می نماید. اهمیت مصونیت و امنیت حقوقی متهم تا جائی مورد عنایت است که این جمله معروف زبانزد حقوقدانان است که: «بهتر است صد گنهکار بی کیفر بماند اما یک بی گناه مجازات نشود.»

قانونگذار ایران نیز در اصول مختلف قانون اساسی و قوانین عادی خود به این موضوع پرداخته و ضرورت مداخله وکیل مدافع را در تمام امور حقوقی و در برخی جرائم، الزامی دانسته است. و حتی اینکه در صورت عدم توانائی متهم در تعیین وکیل، جامعه را مکلف به تأمین آن دانسته است. چنین رویکرد مثبت و مترقی در نگاه نخست، حلاوتی زائدالوصف به کام انسان های آزاد اندیش و حقیقت جوی می چشاند و تشریح چنین ضوابطی را باید ناشی از حس انسانیت و عدالت محوری و اضعان آن دانست (نجفی توانا: ۱۳۸۵: ۵۰). لکن با اندکی تدقیق در متون قوانین مربوط به حق دفاع و رویه عملی برخی مراجع به ویژه هنگامی که وکیل دادگستری خود را در جایگاه مدافع و حامی حقوق موکل خویش پنداشته و می کوشد زمینه را

برای انجام دفاعی مناسب و شایسته مهیا سازد، به ناگاه چالشی عظیم به نام «موانع در اعمال حق دفاع و تعارض دفاع با قضا» را ملاحظه می کند (نجفی توانا: ۱۳۸۵: ۵۰). طبیعتاً این امر ناشی از عوامل مختلفی از جمله خلأ و ابهامات قانونی وجود قوانین ضد دفاع فقدان آموزش بسنده کادر قضائی و عدم تعامل قضا با دفاع و ناآشنائی وکیل با فلسفه و رسالت حرفه خود می باشد.

این چالش تا بدانجا اهمیت می یابد که برای دفاع از حقوق موکل خویش قدم به وادی دادرسی می گذارد، قبل از هر اقدامی ناگزیر باید در اثبات حقانیت اختیارات و تکالیف قانونی خود به دفاع بپردازد. این گونه است که مفهوم پدیده «دفاع از حق دفاع» شکل می گیرد و کماکان به عنوان یکی از موضوعات اساسی و بحث انگیز محافل حقوقی و قضائی کشورمان مطرح می باشد (نجفی توانا: ۱۳۸۵: ۵۱).

قاضی به نمایندگی از حکومت برای اجرای قانون و وکیل به نمایندگی از جامعه ایفای نقش می کنند. در یک جامعه حقوقی و عادلانه شأن وکیل همپراز قاضی است. همانطور که قاضی مصونیت هائی دارد وکیل نیز باید مصونیت هائی داشته باشد اما در آسیب شناسی شأن و جایگاه وکیل باید گفت، از یک سو صاحبان قدرت آن را تحقیر می کنند و به این ترتیب به عدالت در دادرسی لطمه می زنند از طرفی برخی از وکلا با تجارت پیشگی و تبدیل دفتر وکالت (که باید مأمّن مظلومان و یا مراجعان باشد) به دفتر تجارت و بنگاه اقتصادی و یا با درآمیختن اغراض سیاسی با وظیفه حرفه ای و حقوقی خود به آن آسیب می زنند.

بنابراین ارتقای شأن وکیل از طریق نقد قدرت در رفتار با این نهاد و همچنین نقد عملکرد برخی وکلا، یکی از راههای تحقق عدالت است.

عدم حضور وکیل مشکلات زیادی را برای دادرسی عادلانه، برای متهم و حتی برای خود قوه قضائیه به وجود می آورد. نظام قضایی ایران در زمینه وکالت و دفاع و تحقیقات مقدماتی با معضلات اساسی روبرو است. گزارشات متعددی از محکومان زندانی دریافت شده است که در آن ادعا شده است که در دوران بازجوئی زیر شکنجه مجبور به اعتراف به جرمی شده اند که مرتکب آن نشده اند لذا کل پرونده محکومیت آنان مخدوش است. علاوه بر اینکه واقعاً چنین مواردی رخ می دهد مشکل دیگری هم وجود دارد و آن اینکه برخی از مجرمان حرفه ای ترفندی را به مجرمان تازه کار در زندان می آموزند که وقتی به دادگاه می روی نزد قاضی همه اعترافات را انکار کن و بگو زیر فشار یا تهدید و ارباب یا شکنجه بوده است و اگر چنین مجرمی با قاضی رئوفی سروکار پیدا کنند می توانند از یک مفر حقوقی استفاده کرده و از کیفر بگریزند. مجموعه این اتفاقات اعتماد به احکام صادره را متزلزل می کند در حالی که حضور وکلای مستقل و انتخابی متهم، موجب اعتماد به دادرسی و حکم صادره می شود.

یک نظام قضائی و سیاسی باید برای جلب اعتماد از روش های تأمین عدالت در دادرسی تلاش کند. نمونه های زیادی وجود دارد که متهمانی در دوران بازجوئی به دلیل عدم حضور وکیل و عدم رعایت حقوق متهمان در دوره بازجوئی و نا آشنائی آنها با حقوقشان به گناه ناکرده حتی به بمب گذاری یا به قتل اعتراف کرده اند(نجفی توانا:۱۳۸۵:۵۱).

امروزه برای کاهش چنین معضلاتی از روش ها و فنون علمی استفاده می کنند. در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز قتل و سایر جرائم به وقوع می پیوندد. اما بدون بازداشت های طولانی و شکنجه و فشار غیرقانونی و تنها با تکیه بر روش های علمی به کشف حقیقت نائل می شوند و به علاوه با تجویز حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی موجب اعتماد به روند کشف جرم نیز می شوند.

یکی دیگر از راهکارهای بهبود وضعیت حاکم بر دادرسی های کیفری، تمکین مسولین به نظارت های اجتماعی به وسیله نهادهای مدنی و مطبوعات است. نهادهای مدنی هم می توانند جلوی نقض حقوق شهروندی توسط قدرتمندان را بگیرند و هم جلوی سوء استفاده تبهکاران و مجرمان از بی اعتمادی به دادرسی را سد کنند.

مبحث دوم) اخلاق حرفه ای ضامن موفقیت وکلا

شاید در هیچ شغلی به اندازه وکالت پایبندی به اخلاق حرفه ای تأثیری بدین مهمی در موفقیت شاغلین به این حرفه نداشته باشد. از همین رو است که وکلا پیش از آغاز به کار سوگند مخصوص وکالت را بر زبان می آورند و به خداوند متعال قسم یاد می کنند که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایند و نسبت به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جوئی احتراز نمایند و شرافت خود را وثیقه سوگندشان قرار می دهند.

وکیل با بسیاری از اسرار مردم سروکار دارد و همین امر به وی امکان سوء استفاده از مقام و جایگاه را می دهد اما این اخلاق و تقوای حرفه ای است که به او اجازه نمی دهد از موقعیت خویش سوء استفاده نموده و به افشای سر، سوء استفاده، تسویه حساب و... بپردازد.

مهم ترین ضامن حفظ احترام و منزلت اجتماعی وکلا برخورد و سلوک اجتماعی ایشان و رعایت آداب و اخلاق حرفه ای است. از جمله مسائلی که لازم است وکلا از جنبه اخلاقی رعایت نمایند احترام به سایر همکاران وکلای طرف مقابل دعوی، آراستگی ظاهر و متناسب بودن ظاهر با حرفه وکالت، رعایت وقار و ابهت در رفتار و گفتار پرهیز از شوخی و حرکات

ناشایست علی الخصوص در مراجع قضائی و اماکن رسمی است. گاه شنیده می شود که موکلین ادعا می کنند وکلای ایشان دعوائی غیر از آنچه ایشان خواسته اند طرح و یا حقایق موضوع را به نحوی جز آنچه ایشان گفته اند ، بیان کرده اند، یا آنکه وکیل، اثر عدم پیشرفت دعوی را به آنان تفهیم نکرده است، یا حتی آنکه وکیل، وعده موفقیت حتمی در دعوای حقوقی یا برائت قطعی و صد در صد در محاکمه کیفری داده است. در حالی که ماده ۴۵ قانون وکالت مقرر می دارد: «وکلا باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوای موکل را در اموری که نسبت به آن قبول وکالت می نماید اعم از امور حقوقی و جزائی مخصوصاً در اقامه دعوای جزائی و دعوای جعل و اعسار، قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان نماید.» بسیاری از قضات نیز با ملاحظه همین بد اخلاقی ها است که نسبت به وکلا بدبین شده و اجازه فعالیت آزادانه را به ایشان نمی دهند.

به نظر می رسد که پابندی وکلا به اخلاق حرفه ای مهم ترین رکن در رابطه با حفظ شأن و مقام حرفه وکلا می باشد و بیشترین تأثیر را در هموار شدن راه برای انجام درست و دقیق مسوولیت های وکلا داراست. در واقع هنگامی که وکیلی ثابت نماید که در عمل پایبند به اخلاق حرفه ای خود بوده و از انجام هر عملی که ناقض تعهدات اخلاقی او به عنوان یک وکیل باشد، خودداری می نماید، می تواند اعتماد اصحاب دعوی و حتی قضات رسیدگی کننده به پرونده را جلب نموده و تأثیر قابل توجهی در هدایت دادرسی به سمت عدالت و انصاف داشته باشد. در عمل نیز تجربیات شخصی نگارنده مثبت این ادعاست که قضات نیز به وکلایی که صداقت و شرافت ایشان برایشان به اثبات رسیده باشد، توجه ویژه ای داشته و به آنان اجازه فعالیت بیشتری در پرونده ها می دهند.

بنابراین پایبندی وکلا به اخلاق حرفه ای بیشترین تأثیر را در اعتماد سازی بین آنان و قضات دارد که در نهایت منجر به آزادی عمل بیشتر وکلا در عمل به وظایف حرفه ای ایشان می گردد. پایبندی وکیل به اخلاق حرفه ای می تواند قاضی را به چنان درجه ای از اعتماد و احترام به وی برساند که علی رغم محدودیت های قانونی نیز با تفسیر موسع تر قوانین وکیل را برای عمل به وظایف خود یاری نیز بدهد.

مبحث سوم) کمک به دادرسی منصفانه

اصطلاح دادرسی منصفانه، مفهومی ذهنی است که با پیش بینی تضمینات و حقوق دفاعی مکفی برای متهمین جنبه عینی می یابد. مروری بر اسناد مختلف بین المللی، حقوق تطبیقی و مقررات داخلی بیانگر پاره ای از ضروریات و تضمینات دفاعی می باشد که انجام یک دادرسی عادلانه لزوم وجود آنها را ایجاب می کند. از مهمترین این تضمینات می توان به مواردی از جمله حق تفهیم اتهام، حق سکوت، منع شکنجه، منع بازداشت و... حق داشتن وکیل مدافع در این مقررات اشاره کرد(آشوری: ۱۳۸۴ : ۱۰۷).

حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی می تواند کمکی مؤثر به دادرسی منصفانه باشد چرا که دانش و توان حقوقی وکیل می تواند مهم ترین عامل در تضمین مؤلفه های دادرسی منصفانه تلقی شود.

مبحث چهارم) منافع حضور وکیل در دادرسی

یکی از مسلمات رسیدگی به اتهامات افراد یا به عبارت دیگر یکی از مسلمات رسیدگی کیفری، برخورداری از حق دفاع است که از ملزومات این حق می توان به حق حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرد. حساس ترین زمان برای

حضور وکیل، مرحله ای است که متهم بیشترین نیاز را به وکیل دارد، که همان مرحله تحقیقات مقدماتی است. اظهارات متهم در این مرحله مورد استناد دادگاه قرار می گیرد.

احتمال برخوردهای غیرقانونی در مرحله تحقیقات مقدماتی، مانند نحوه نگهداری غیرقانونی، نگهداری در سلول انفرادی و یا نحوه برخورد غیرقانونی، توسل به برخورد فیزیکی و یا استفاده از فشارهای روانی و مجبور کردن متهم به بیان مطالب مورد نظر، تماماً در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود دارد.

بنابراین حضور وکیل در این دادرسی می تواند دارای فوایدی باشد که چشم پوشی از آن ها به نفع عدالت و سلامت دستگاه قضایی نیست. برخی از مهم ترین این فواید ذیل بررسی می گردد.

گفتار اول) جلوگیری از انحراف دادرسی و هدایت علمی و عملی قاضی

استفاده از وکیل در دعاوی می تواند منافع و مزیت های فراوانی را هم در جهت دفاع از حقوق افراد بی گناه و هم توسعه علمی و عملی دادرسی قضایی به سمت کشف حقیقت به همراه داشته باشد. از مهمترین این امتیازها می توان به جلوگیری از انحراف دادرسی و مساعدت در هدایت علمی و عملی قاضی اشاره نمود (نجفی توانا: ۱۳۸۵: ۵۴).

بی گمان در جریان یک دادرسی، احتمال لغزش و خطا و اشتباه، از طرف قضات، اصحاب دعا و . . . وجود دارد. از این رو، حضور وکیلی کاردان، متعهد و قانونمند در روند دادرسی می تواند تضمین مناسبی در جلوگیری از انحراف دادرسی تلقی گردد. ثمره مستقیم و عملی چنین حضوری، پیشگیری از تضییع حقوق اصحاب دعا و انحراف قضایی می باشد؛ ضمن آنکه وکلا در مقام دفاع، یکی از محورهای تعیین کننده و مؤثر تلقی می شوند.